

ارائه و تبیین الگوی آموزش و پرورش استاندارد^۱

محمد خوب چهره^۱، احمد اکبری^۲، هادی پورشافعی^۳، مسلم چرابین^۴

^۱ دانش آموخته دکتری مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران

^۲ استادیار گروه علوم تربیتی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ دانشیار رشته مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

^۴ استادیار گروه علوم تربیتی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران

چکیده

امروزه مقوله استاندارد برای صنایع مختلف و تجارت به طور مشخص با کیفیت های متفاوت تعریف شده است و در سطح جهانی هم قابل اجرا می باشد، اما در آموزش و پرورش به دلیل ارتباط داشتن موضوعات با انسان و پیچیده تر شدن موضوع، نمی توان استاندارد یکنواختی را برای همه کشورها مدون نمود، چراکه هر کشوری با توجه به اقلیم و جایگاه آن در کره خاکی دارای شرایط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی متفاوتی است. حتی در یک کشور همانند ایران به دلیل گستردگی و وسعت کشور شاید استاندارد خاصی برای آموزش و پرورش قابل تدوین نباشد، اما آموزش و پرورش بدون استاندارد هم جایگاهی نخواهد داشت. پژوهش حاضر باهدف ارائه الگو برای آموزش و پرورش استاندارد و تبیین آن انجام گرفته است. این پژوهش برای شناسایی مؤلفه های آموزش و پرورش و ارائه الگوی آموزش و پرورش استاندارد به بررسی نظرات خبرگان حوزه آموزش و پرورش پرداخته است. روش تحقیق، توصیفی-پیمایشی بود. داده ها به صورت میدانی گردآوری گردیده است. جامعه آماری کارشناسان و خبرگان در حوزه آموزش و پرورش بودند که بدین منظور، تعداد ۲۶۰ نفر از خبرگان و کارشناسان در حوزه آموزش و پرورش استان خراسان جنوبی به روش نمونه گیری خوشه ای - سهمیه ای انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته بوده است. برای تعیین پایایی و اعتبار ابزار اندازه گیری نیز از آلفای کرونباخ، روایی محتوایی و همزمان استفاده شد. برای تحلیل داده های کیفی از روش داده بنیاد و داده های کمی از شاخص های توصیفی، برازش و تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. نتایج کلی پژوهش حاکی از آن است که مدل ارائه شده با استفاده از نرم افزار AMOS قابل تأیید می باشد.

واژه های کلیدی: آموزش و پرورش، استانداردسازی، آموزش و پرورش استاندارد، مؤلفه های آموزش و پرورش، مدل استاندارد آموزش و پرورش

مقدمه

آموزش و پرورش نه تنها به عنوان یکی از نهادهای جامعه، بلکه در واقع محوری ترین آن هاست (Shabani, 2003:15)، همچنین به اعتقاد رهبر نظام جمهوری اسلامی ایران، آموزش و پرورش مهم ترین کار یک کشور است و اگر کشوری بخواهد به عزت مادی، به سعادت معنوی، به پیشروی علمی، به آبادانی زندگی دنیا، به هر آرزویی، بخواهد دست پیدا کند، باید به آموزش و پرورش به عنوان یک کار بنیادی، مقدماتی لازم بپردازد. نظام آموزش و پرورش بنا به ضرورت تغییرات اجتماعی، یکی از سازمان های پیچیده و بزرگ اجتماعی در هر کشور محسوب می شود و با رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیوندی ناگسستنی دارد. تعلیم و تربیت در همه اعصار و نسل ها، مهم ترین کار بشر در زندگی بوده است و در هر زمان با توجه به شرایط فکری، فلسفی و اجتماعی حاکم به نوعی خاصی از مفهوم آن توجه می شده است. از آنجاکه عوامل و مؤلفه های گوناگون در نوع برداشت از این مقوله تأثیر داشته، در طول زمان تغییرات قابل توجهی در این خصوص به وجود آمده است (Maleki, 2010:9).

در دنیای کنونی در بسیاری از کشورها این اعتقاد اساسی وجود دارد که آنچه در جامعه می گذرد اعم از رفتار مردم، تعاملات آن ها با یکدیگر و ... ناشی از کیفیت کار آموزش و پرورش است. بنابراین ضرورت و اهمیت پرداختن به بحث استاندارد سازی در آموزش و پرورش برای دستیابی به کیفیت مطلوب بسیار مورد توجه می باشد. از نظر خنیفر (۲۰۰۳)، استاندارد نمودن فعالیت های آموزش و پرورش در گسترش تحولات چشمگیر نظام های آموزشی برتر جهان فرایندی لازم و لاجرم می باشد و پرداختن به چارچوب های نظری و عملی آن در هر بخش با الگو گیری از روش ها و شیوه های استاندارد و فعالیتی شایسته و نیازمند سرمایه گذاری دراز مدت می باشد.

امروزه عقیده بر این است که برای به حداکثر رسانیدن فرصت های آموزش و یادگیری در فرایند تعلیم و تربیت برای تمام فراگیران، باید سیاست گذاران و رهبران آموزشی اطمینان یابند که معلمان آموزش های مبتنی بر استاندارد را به اجرا درمی آورند و این امر زمانی میسر است که معلم و منابع انسانی استاندارد شوند.

استانداردها چیزهایی نیستند که در یک مدت کوتاه تدوین شوند و برای مدت زمان طولانی قابلیت بهره برداری داشته باشند. لازم است متناسب با پیشرفت، مقتضیات و الزامات محیطی و سازمانی این استانداردها به روز شده و از پویایی و انعطاف پذیری لازم برخوردار باشند و با در نظر داشتن محدودیت های انسانی، مالی و محیطی طراحی شوند.

با گذشت بیش از ۲۰ سال از شروع نهضت استاندارد سازی این سؤال همواره مطرح است که آیا مجموعه ای از استانداردها وجود دارد که منجر به بهبود قابل توجهی در عملکرد دانش آموزان و معلمان شود و علاوه بر آن، خلاقیت و ابتکار آنان را نیز تقویت کند؟ همچنین با توجه به ابعاد متفاوت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در کشورهای مختلف، آیا می توان از استانداردها و یا معیارهای مشخص سخن گفت؟

امروزه مقوله استاندارد برای صنایع مختلف و تجارت به طور مشخص با کیفیت های مختلف تعریف شده است و در سطح جهانی هم قابل اجرا است، اما در آموزش و پرورش به دلیل سروکار داشتن با انسان، موضوع پیچیده تر شده و نمی توان استاندارد یکنواختی برای همه کشورها مدون نمود، چراکه هر کشوری با توجه به اقلیم و شرایط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و جایگاه آن در کره خاکی متفاوت است. حتی در یک کشور همانند ایران به دلیل گستردگی و وسعت کشور شاید استاندارد خاصی قابل تدوین نباشد، اما آموزش و پرورش بدون استاندارد هم جایگاهی نخواهد داشت. یکی از فواید مهم استاندارد سازی در بحث آموزش، تعیین اهداف روشن برای یادگیری است.

نتیجه رعایت استاندارد ارتقای سطح کیفی، عملکرد مطلوب و استاندارد سازی، ایجاد ثرم و شاخص بر اساس مدل مطلوب است (Doden, 1989). همچنین اهمیت و لزوم اطمینان کیفی از عملکرد مدارس و مؤسسات آموزشی تحت پوشش وزارت آموزش و پرورش در ابعاد درون داد، فرایند، برون داد و پیامدهای مؤسسات در زمینه های آموزشی، پرورشی، امکانات و تجهیزات، برنامه های آموزشی و درسی، مدیریت و ... و توانمندی آموزش و پرورش برای پاسخگویی به نیازهای جامعه، فلسفه وجودی یک الگو با نظام نیمه متمرکز برای آموزش و پرورش کشور است.

در کشور جمهوری اسلامی ایران طی چند سال اخیر بحث نظری استاندارد و استانداردسازی در حوزه آموزش پرورش ایران مورد توجه قرار گرفته است، به طوری که اولین همایش استاندارد و استانداردسازی در آموزش و پرورش در سال ۲۰۰۳ برگزار شده و تحقیقات محدودی هم (همانند: پژوهش های خنیفر (۲۰۰۴)، فتحی و اجارگاه (۲۰۰۴)، صافی (۲۰۰۴)، گودرزی و سعادت مند (۲۰۰۵)، زیرک و همکاران (۲۰۰۹) و ...) نیز انجام گرفته، همچنین به گزارش معاونت تدوین و ترویج استاندارد ایران، برای اولین بار در سال ۲۰۱۴ نشست مشترکی به منظور ترویج فرهنگ استاندارد در مقاطع مختلف تحصیلی آموزش و پرورش در سازمان ملی استاندارد ایران برگزار شده است، با این حال متأسفانه تاکنون استانداردهای مدون شده ای و الگوی استاندارد خاصی برای کیفیت بخشی به زیر نظام های آموزشی (آموزش پیش دبستانی، دوره ابتدایی، متوسطه، فنی و حرفه ای و تربیت معلم) با توجه به فرهنگ و خصوصیات ویژه نظام جمهوری اسلامی ایران در دسترس نیست.

نیاز به وجود استاندارد و استانداردسازی یکی از مواردی است که به شکل های مختلف، مانند تهیه شاخص کیفی، مؤلفه های استاندارد و عوامل درون مدرسه ای، فضا، ارزشیابی و مصرف منابع استاندارد در سند تحول آموزش و پرورش (که از اسناد بالادستی نظام آموزشی ایران است) به آن اشاره شده، همچنین مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران هم بر این امر تأکید دارند. یکی از ۵ سیاست اصلی آموزش و پرورش ارتقای کیفیت آموزش (Abazari, 2014) می باشد. اهمیت وجود کیفیت و استاندارد از آنجا در نظام آموزشی بیشتر می شود که بدانیم کیفیت زندگی نسل حاضر و نسل های آینده در گرو کیفیت آموزشی است (Mashayekh, 2006). همه این موارد دلیل بر اهمیت و نیاز به وجود استاندارد و استانداردسازی در آموزش و پرورش بوده و نشان دهنده وجود خلأ الگوهای استاندارد برای رسیدن به کیفیت مطلوب آموزشی می باشد.

هرچند نظرات مخالفی هم در مورد استاندارد، به دلیل برداشت ذهنی در مورد یکنواخت نمودن فعالیت ها (Ahancheyan, 2004) و وجود محدودیت های استاندارد (Yamani Dozi Sorkhabi, 2004) وجود دارد، اما تأکید اکثر محققین (مانند: یوسف زاده، ۲۰۰۴؛ خنیفر، ۲۰۰۴؛ ...) بر لزوم استاندارد در آموزش و پرورش است.

استاندارد نمودن فعالیت های آموزش و پرورش در گسترش تحولات چشم گیر نظام های آموزشی برتر جهان فرایندی لازم و لاجرم می باشد و پرداختن به چارچوب های نظری و عملی آن در هر بخش با الگو گیری از روش ها و شیوه های استاندارد و فعالیتی شایسته و نیازمند سرمایه گذاری درازمدت می باشد (Khanifar, 2004). امروزه عقیده بر این است که برای به حداکثر رسانیدن فرصت های آموزش و یادگیری در فرایند تعلیم و تربیت برای تمام فراگیران، باید سیاست گذاران و رهبران آموزشی اطمینان یابند که معلمان آموزش های مبتنی بر استاندارد را به اجرا درمی آورند و این امر زمانی میسر است که معلم و منابع انسانی استاندارد شوند.

از پیامدهای مثبت استانداردسازی آموزش، می توان به جلوگیری از افزایش هزینه های آموزشی، افزایش هماهنگی و کاهش تعارض، پیش بینی رفتار و عملکرد کارکنان، امکان پذیر بودن ارزشیابی و بهبود اقدامات و بهبود سطح فراگیران و معلمان (Saadatmand & Goodarzi, 2004) اشاره نمود. همچنین هوشیاری سازمان نسبت به محیط، چابک بودن در برابر تغییرات، چندوجهی بودن، توجه به ارزش های آتی ذینفعان، دارای فرهنگ آینده گرا و افرادی با ویژگی های روان شناختی مثبت و دانش-مدار را در گرو آموزش پرورش استاندارد (Meyandari & et al, 2013) به شمار می رود. برای داشتن منابع انسانی کیفی با توان بهره وری بالا، برخورداری از اطلاعات و روش های جدید و به روز علمی، مهارت های فنی-انسانی، ادراکی، صلاحیت های حرفه ای و از همه مهم تر شاخص های استاندارد ضروری است که، استانداردسازی مورد توجه قرار گیرد. همچنین عقیده بر این است که برای به حداکثر رساندن فرصت های آموزش و یادگیری در فرایند آموزش و پرورش بایستی سیاست گذاران و رهبران آموزشی اطمینان یابند که معلمان، آموزش های مبتنی بر استاندارد را اجرا می کنند (Castillo, 2002). این امر زمانی میسر خواهد شد که جنبه های مختلف آموزش و پرورش به صورت استاندارد قابل قبول وجود داشته باشد.

پیشینه پژوهشی

سوابق نظری و تجربی و دیدگاه های مطرح شده در خصوص استانداردهای آموزشی، بیانگر این است که چنانچه در جامعه نسبت به استانداردهای آموزشی و شغلی احساس نیاز به وجود آید بسیاری از مشکلات حاشیه ای استانداردهای شغلی و آموزشی مرتفع خواهد شد (Mehralizadeh & et al, 2013). تاکنون عناوین مختلفی از سوی پژوهشگران حوزه آموزش و پرورش به عنوان مؤلفه های نظام آموزشی بیان شده است. نوید ادهم و صادق زاده (۲۰۱۵) در پژوهشی، از عوامل دروندادی و فرایندی مانند ساخت های تعلیم و تربیت، زیر نظام های آموزش و پرورش، سطوح آموزش، آموزش های خاص، ساختار آموزشی، نظام ارزشیابی، به عنوان مؤلفه های اصلی نظام آموزشی نام می برد. برخی از محیط های حاکم بر آموزش و پرورش که عملکرد نظام تعلیم و تربیت را متأثر می کند، به عنوان عوامل محیطی و پیرامونی بیان کرده که عبارت اند از: محیط اداری، اجرایی، دولتی، عمومی، محیط حقوقی، قضایی و تأمینی، محیط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و خانوادگی و محیط بین المللی و منطقه ای (Navid Adham & Sadeghzadeh, 2015). محسنی (Mohseni, 2013)، در پژوهشی بیان می کند فلسفه در مورد معرفت آدمی و ارزش ها بحث می کند و با معلم، دانش آموز، مواد درسی، وسایل و تجهیزات آموزشی، روش تدریس، مدیریت و سازمان دادن برنامه ها ارتباط دارد. بدون شک دیدگاه هر مکتب درباره ابعاد و مؤلفه های آموزش و پرورش، به صورت مستقیم نقش دارد. شورای کارکنان مدارس ایالتی امریکا در سال ۲۰۱۱ به تدوین مدل استانداردهای آموزشی پرداخته و تعدادی استاندارد برای یادگیرنده و یادگیری، محتوای دانش، عمل آموزشی، مسئولیت حرفه ای مشخص کرده که در زیر به بیان برخی از آن ها پرداخته می شود. در خصوص یادگیرنده و یادگیری بیان می کنند که یادگیری با یادگیرنده شروع می شود. برای اطمینان اینکه هر دانش آموز دانش های جدید و مهارت ها را فراگیرد، معلمان باید الگوهای یادگیری و توسعه ای در میان افراد، تفاوت های فردی خاص، محیط های یادگیری ایمن و نیاز حمایتی یادگیرنده را درک کند. استانداردهای آموزشی و یادگیری پیش دبستانی در آموزش و پرورش نیوجرسی (۲۰۱۴) برای ارائه پیش زمینه اشاره دارد به این که استانداردهای آموزشی و یادگیری پیش دبستانی ۲۰۱۳ یک چارچوب نظری قوی برای ارائه تجارب آموزشی باکیفیت بالا برای کودکان دارد که عبارت اند از: معرفی محیط های یادگیری حمایتی برای کودکان پیش دبستانی، ارائه راهنمایی بر ارزیابی کودکان، روابط میان خانواده، جامعه و کودکان، شناسایی نتایج یادگیری برای کودکان پیش دبستانی با شیوه های تدریس مناسب که با حمایت از نتایج مورد نظر شناخته شده است.

مهدیون، پاهنگ و یاریقلی (Mahdiyoon, Pahang & Yarigholi, 2017)، طی پژوهشی باهدف شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت مدارس و بررسی وضعیت موجود از دیدگاه متخصصان تعلیم و تربیت و دانش آموزان نتیجه گرفتند که عوامل مؤثر عبارت اند از: عوامل محیطی کیفیت مدارس، ویژگی های معلم، امکانات و تجهیزات، مدیر مدرسه، ویژگی های دانش آموز، روابط انسانی در مدرسه، خانواده، اهداف آموزشی و محتوای تدریس، منابع مالی و انسانی، روش تدریس.

ملکی و محمدی (Maleki & Mohammadi, 2015)، در پژوهشی باهدف تمرکزگرایی و تمرکززدایی در فرآیند برنامه ریزی توسعه آموزشی، چالش ها و موانع بیان می کند گرچه ساختار متمرکز و غیرمتمرکز دارای نقاط برجسته و مثبتی می باشد و چشم پوشی از آن ها به هیچ وجه امکان پذیر نبوده و نیست اما دارای چالش ها و موانعی نیز هستند که عدم توجه به آن ها در برخی موارد مشکلات جبران ناپذیری به بار می آورد. همچنین کمبود نیروی متخصص و ضعف برنامه ها، چالش مفهومی، بخشی نگری، فقدان نظام مدیریت منطقه ای و فقدان فرهنگ برنامه ریزی در سطح منطقه را از جمله چالش ها نام می برد.

میاندراری و همکاران (Meyandari & et al, 2013)، در طراحی یک مدل برای سازمان آینده گرا، خصوصیات این نوع سازمان را هوشیاری نسبت به محیط، چابک در برابر تغییرات، چندوجهی، توجه به ارزش های آتی ذینفعان، دارای فرهنگ آینده گرا و افرادی با ویژگی های روان شناختی مثبت و دانش مدار می داند، اما این هدف ممکن نخواهد شد مگر این که افرادی که

در این سازمان ها فعالیت دارند در آموزش پرورش استاندارد تحصیلی کرده باشد و توانسته باشند توانایی خود را افزایش داده و خلاقیت خود را بالا ببرند.

مهرعلی زاده و همکاران (Meheralizadeh & et al, 2013)، برای ارائه الگوی پارادایم بازسازی و بهسازی نظام استاندارد مهارت بر اساس روش داده بنیاد، به مطالعه موردی پرداخته و در این تحقیق برای تبیین موضوع به عناصر پنج گانه مرتبط با استانداردهای آموزشی (پدیده مورد مطالعه، شرایط علی، زمینه تأثیرگذار، عامل های مداخله گر، راهبردهای مورد نظر و پیامدها) توجه کرده و نتیجه می گیرد که سوابق نظری و تجربی و دیدگاه های مطرح شده در خصوص استانداردهای آموزشی، بیانگر این است که چنانچه در جامعه نسبت به استانداردهای آموزشی و شغلی احساس نیاز به وجود آید بسیاری از مشکلات حاشیه ای استانداردهای شغلی و آموزشی مرتفع خواهد شد. افزایش نیاز منجر به گسترش کمی و کیفی سطح تعامل و مشارکت کلیه ذینفعان به استانداردهای آموزشی می شود. همچنین کارایی و اثربخشی استانداردهای آموزشی را متأثر از احساس نیاز و افزایش تقاضا و مشارکت و تعامل می دانند.

روحانی دهکردی و باقری (Rouhani Dehkordi & Bagheri, 2012)، در پژوهشی که با رویکرد تحلیلی و بررسی اسنادی در موضوع مدرسه و نقش آن در تعلیم و تربیت ارزش ها انجام داده است، نتیجه می گیرد که معلم نقش مهمی در سلامت روانی دانش آموزان ایفا می کند. و روابط انسانی در مدرسه را از عوامل مهم در تبیین ارزش ها می داند. فقدان فرهنگ برنامه ریزی در سطح منطقه را از جمله چالش ها نام می برد.

رستون (Reston, 2015)، شورای سیاست ملی برای مدیریت آموزشی (۲۰۱۵)، استانداردهای حرفه ای، برای رهبران آموزشی چاپ نموده است. در این نوشته یکی از سؤالات این است که چرا اکنون رهبران آموزشی به استانداردهای جدید نیاز دارند؟ برای پاسخ این سؤال چندین دلیل بیان نموده که شورای کارکنان مدارس ایالتی، اولین استانداردها را برای رهبران آموزشی در سال ۱۹۹۶ منتشر کرده است و بر اساس تحقیقاتی در سال ۲۰۰۸ بروز شده است. اما این خیلی مهم است که امروزه دنیا در مدارس چگونه عمل می کنند. تمام نشانه ها به جایی که مدارس بوده و به تغییر بیشتر اشاره دارند.

در نهایت در خصوص آموزش و پرورش استاندارد مطالعات نشان می دهد که هرچند برای برخی از مؤلفه های آموزش و پرورش که در کیفیت بخشی به نظام تعلیم و تربیت اهمیت داشته، استانداردهای تعریف شده و شاخص ها و معیارهای هم برای بررسی وضعیت موجود استاندارد بیان شده، اما این موارد بومی سازی نشده، همچنین در مورد ارائه الگوی استاندارد در مورد آموزش و پرورش غفلت شده است. با چنین پیشینه ای و با احساس وجود خلأ در تحقیقات حوزه آموزش و پرورش این مطالعه انجام شده و درصدد پاسخگویی به سؤالات زیر بوده است:

۱. الگوی مفهومی آموزش و پرورش استاندارد کدام است؟

۲. الگوی طراحی شده تا چه میزان وضعیت آموزش و پرورش استاندارد را تبیین می کند؟

روش تحقیق

در این پژوهش ابتدا با طراحی ابزار تناسب سنجی، طراحی گویه های پرسشنامه، اجرای آزمایشی و اجرای نهایی وضعیت بررسی و الگوی طراحی شده آزمون شد. پژوهش حاضر از نظر نوع روش تحقیق توصیفی - پیمایشی می باشد با توجه به قلمرو موضوعی، جامعه آماری این پژوهش در بخش کمی کارشناسان حوزه تعلیم و تربیت در سطح مدیران، معاونان مسئولین ستادی و رؤسا و معاونین ادارات و معلمان در سازمان آموزش و پرورش استان خراسان جنوبی که دارای مدرک کارشناسی ارشد به بالا و مرتبط با علوم تربیتی در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ بودند. در بخش کمی برای تعیین نمونه آماری از روش نمونه گیری خوشه ای سهمیه ای استفاده شد. با توجه به اینکه تعداد جامعه آماری ۷۸۲ نفر بود، تعداد نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران و با افزایش نمونه ۲۶۰ نفر برآورد شد.

برای تعیین روایی پرسشنامه از روش روایی محتوایی و روش روایی همزمان استفاده شد. در روایی محتوا از نظر ۵ نفر از اساتید راهنما و متخصصان تعلیم و تربیت استفاده شد و اصلاحات موردنظر ایشان در محتوا و ساختار انجام گرفت. به منظور تعیین پایایی پرسشنامه، پس از اجرای آزمایشی پرسشنامه محقق ساخته بر روی ۳۰ نفر از جامعه آماری انجام شد و پس از گردآوری پرسشنامه و ورود داده در نرم افزار SPSS همسانی درونی مؤلفه‌های هر یک از عوامل اصلی با روش آلفای کرونباخ بررسی شد که مقدار آن ۰/۸۸ به دست آمد. مطابق با جدول ۱ می‌توان استنباط نمود که تمامی ضرایب همبستگی به‌دست‌آمده در سطوح ۰/۰۵ و ۰/۰۱ معنادار است و می‌توان اذعان کرد که پرسشنامه محقق ساخته برای آموزش و پرورش استاندارد و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار است و می‌تواند به‌درستی سازه موردپژوهش را با آن اندازه‌گیری کرد. پس از تأیید روایی و پایایی، پرسشنامه متشکل از ۸۳ گویه در مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت استفاده گردید و نظرات نمونه آماری در خصوص اهمیت مؤلفه‌ها در آموزش و پرورش استاندارد بررسی شد. به‌منظور تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و برای آزمون الگوی به‌دست‌آمده و اعتبار یابی مدل از نرم‌افزار AMOS استفاده شد.

یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش شامل یافته‌های کمی حاصل تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از پرسشنامه است. در این پرسشنامه که شامل ۸۳ گویه بود تعداد ۲۷ مؤلفه در سه بعد اصلی مورد آزمون واقع شد.

سؤال اول: مدل مفهومی آموزش و پرورش استاندارد کدام است؟

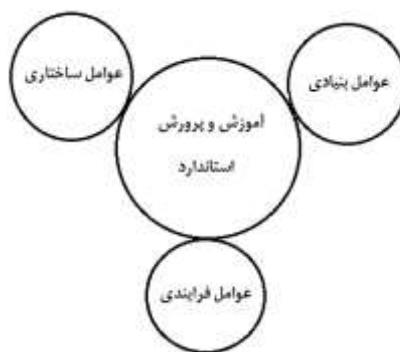
بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از روش کدگذاری محوری نظریه داده بنیاد، ابعاد اصلی تشکیل‌دهنده آموزش و پرورش استاندارد حاصل‌شده در جدول ۱ نشان داده‌شده است.

جدول ۱: عوامل اصلی و کدهای محوری (مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده) آموزش و پرورش استاندارد

عوامل اصلی	مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده
عوامل بنیادی	فلسفه آموزشی متناسب؛ اهداف آموزشی شفاف؛ آینده‌نگر بودن؛ اصول آموزشی کارآمد؛
عوامل ساختاری	توانمندی مدیران؛ نظام پویا؛ ارتباطات سازمانی اثربخش؛ نظام آموزشی یادگیری محور؛ ساختار استاندارد محور؛ نظام غیرمتمرکز؛ تصمیم‌گیری مؤثر
عوامل فرایندی	برنامه درسی پویا؛ یادگیری پژوهش محور؛ یاددهی- یادگیری منعطف؛ معلم توانمند و پژوهشگر؛ معلم متعهد؛ محتوای کاربردی؛ محتوای آموزشی موردنیاز؛ معلم تعامل گر؛ بودجه - هزینه؛ مدرسه اثربخش؛ محیط یادگیری امن؛ مدرسه هوشمند؛ مدیریت متعهد و تعامل گر؛ امتحانات هماهنگ؛ ارزشیابی توصیفی؛ دانش‌آموز فعال

مطابق با جدول ۱ مؤلفه‌های آموزش و پرورش استاندارد شامل عوامل بنیادی با مؤلفه‌های فلسفه‌های آموزشی متناسب، اصول آموزشی کارآمد، اهداف آموزشی شفاف، آینده‌نگر بودن و برای عوامل ساختاری با مؤلفه‌های توانمندی مدیران، نظام پویا، ارتباطات سازمانی اثربخش، نظام آموزشی یادگیری محور، ساختار استاندارد محور، نظام غیرمتمرکز، تصمیم‌گیری مؤثر و برای عوامل فرایندی مؤلفه‌های برنامه درسی پویا، یادگیری پژوهش محور، یاددهی- یادگیری منعطف، معلم توانمند و پژوهشگر، معلم متعهد، محتوای کاربردی، محتوای آموزشی موردنیاز، معلم تعامل گر، هزینه‌های اثربخش، بودجه مکفی، مدرسه اثربخش، محیط یادگیری امن، تجهیزات بروز و متناسب، مدرسه هوشمند، مدیریت متعهد و تعامل گر، امتحانات هماهنگ، ارزشیابی توصیفی، دانش‌آموز فعال به دست آمد.

با توجه به اینکه از نظر پژوهشگر عوامل آموزش و پرورش از سه موضوع بنیادی، ساختاری و فرایندی فراتر نیستند، برای آموزش و پرورش استاندارد مدلی با نام اسپینر همانند تصویر ۲ طراحی نموده است. با توجه به شباهت شکل و مدل به دست آمده با فرفره یا اسپینر^۲ این مدل را مدل اسپینر (Spinner) نام گذاری شده است. همان طور که در اسپینر یک بلبرینگ در وسط و سه عدد در کنار آن با فاصله مساوی به همدیگر متصل شده اند، در الگوی طراحی شده توسط پژوهشگر، نظام آموزش و پرورش استاندارد در مرکز و سه عامل اصلی در حول آن قرار دارند و این سه عامل به مرکز که همان نظام آموزش و پرورش استاندارد می باشد متصل هستند. همان طور که تغییرات در وضعیت اجزای اسپینر می تواند بر قسمت مرکزی اسپینر، تغییراتی را به وجود آورد، مطابق با تفکر سیستمی هرگونه تغییر در وضعیت هر کدام از عوامل آموزش و پرورش می تواند بر روی مرکز (نظام آموزش و پرورش استاندارد) تأثیرگذار باشد یا هرگونه تغییر در آموزش و پرورش استاندارد نمی تواند بدون تغییر در عوامل اصلی آن صورت بگیرد. به عبارت دیگر، برای شناخت آموزش و پرورش استاندارد باید به سه بعد اصلی و مؤلفه های توجه نمود و برای تغییر و تحول در نظام آموزش و پرورش ضرورت توجه به این مؤلفه ها از اهمیت برخوردار است.



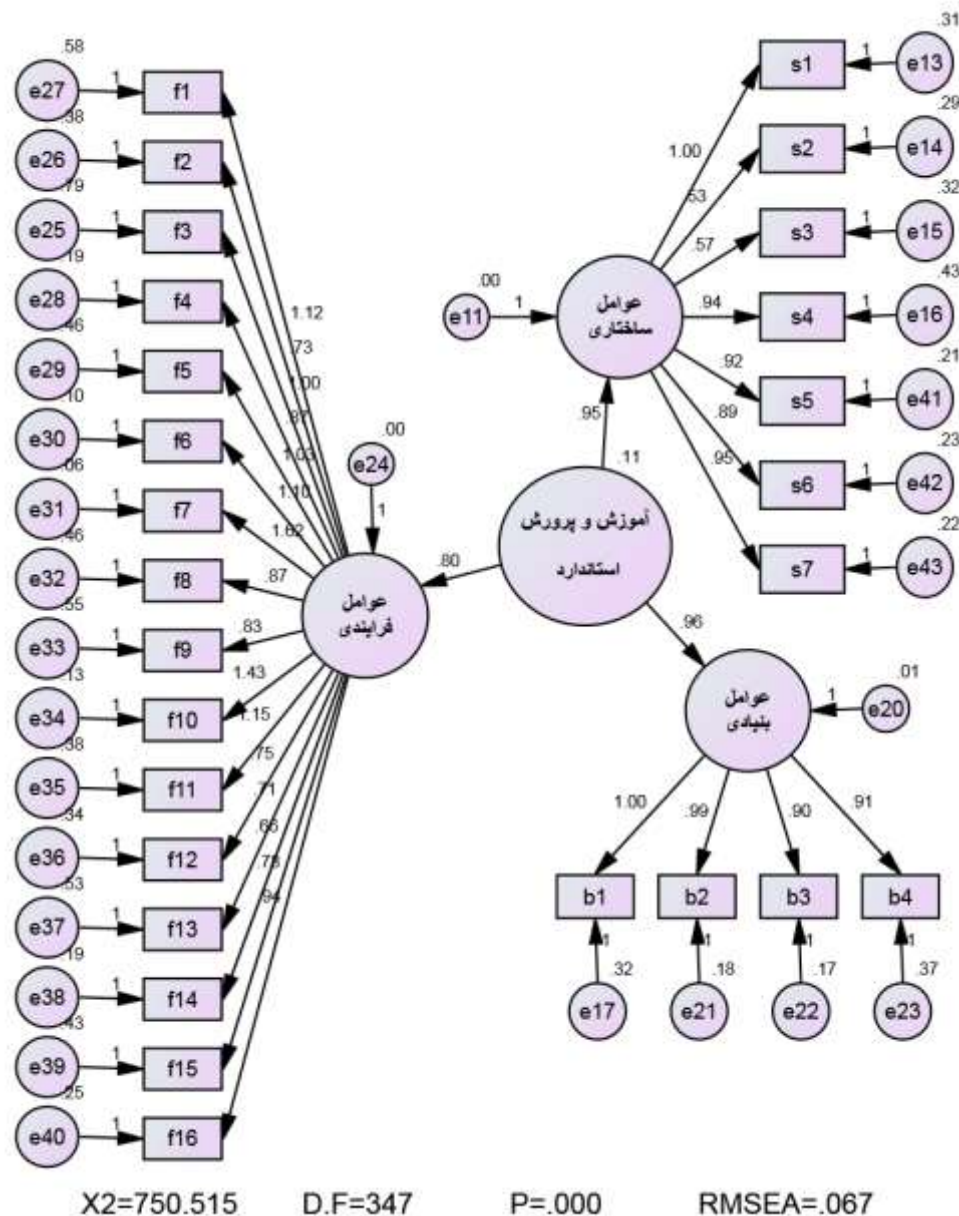
تصویر ۲: مدل مفهومی اسپینری (Spinner) برای آموزش و پرورش استاندارد

با توجه به اینکه برای طراحی الگو از روش استقرایی استفاده شده و با کنار هم قرار دادن کدهای باز، الگوی آموزش و پرورش استاندارد به دست آمده است، لذا می بایست مشخص شود که آیا الگوی ارائه شده از اعتبار کافی برخوردار است؟ یا خیر و آیا ابعاد سه گانه و کل سازه آموزش و پرورش استاندارد به درستی با عوامل فرعی و عوامل فرعی به درستی با سؤالات سنجیده می شوند؟ یا خیر. برای پاسخگویی به این سؤالات از شاخص های به دست آمده از نرم افزار AMOS استفاده گردیده که در پاسخ به سؤال سوم پژوهش به همراه الگوی نهایی ارائه شده است.

سؤال دوم: الگوی طراحی شده تا چه میزان وضعیت آموزش و پرورش استاندارد را تبیین می کند؟

برای پاسخگویی به سؤال سوم از نرم افزار رایانه ای و معیارهای اعتباریابی مدل (الگو) استفاده شده است. در این الگو برای سنجش آموزش و پرورش استاندارد با سه عامل عوامل بنیادی، عوامل ساختاری و عوامل فرایندی و برای سنجش هر مؤلفه اصلی از چند عامل فرعی و در نهایت، برای سنجش عوامل فرعی از گویه ها استفاده شد. از این رو، لازم است وضعیت تمام مؤلفه ها و زیر مؤلفه ها بررسی و آزمون شود و با این اقدام، قابلیت تبیین الگو برآورد می شود. در این مورد نرم افزار AMOS و روش تحلیل عاملی تأییدی این امکان را برای آزمون الگو و بررسی آن فراهم می سازد.

(در آمریکا ثبت اختراع شده است. Catherine A. Hettinger - اسپینر یعنی این فرفره خاص در سال ۱۹۹۷ توسط کترین ا. هتینگر^۲)



تصویر ۳: تحلیل مرتبه دوم مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آموزش و پرورش استاندارد

برای حصول اطمینان از برازش کلی مدل موردنظر پژوهشگر، برخی از شاخص‌های مهم مانند کای اسکور، کای اسکور نسبی، ریشه میانگین توان دوم باقیمانده، شاخص نیکویی برازش، شاخص نیکویی برازش هنجار شده، شاخص برازش مقایسه‌ای، شاخص برازش افزایشی و شاخص تاکر-لویز محاسبه شده و نتایج آن در جدول ۲ ارائه گردیده است.

جدول ۲: شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری آموزش و پرورش استاندارد

شاخص	دامنه قابل قبول	مقدار به دست آمده	ارزیابی شاخص‌های برازش
χ^2	---	۷۵۰/۵۱	-----
DF	---	۳۴۷	-----

مناسب	۲/۱۶	< ۵	χ^2/df
مناسب	۰/۰۰۰	< ۰/۰۵	P-Value
مناسب	۰/۰۶۷	< ۰/۱۰	RMSEA
مناسب	۰/۰۲۷	< ۰/۱	RMR
مناسب	۰/۷۴	صفر تا ۱	NFI
مناسب	۰/۸۴	صفر تا ۱	CFI
مناسب	۰/۸۲	صفر تا ۱	GFI
مناسب	۰/۷۹	صفر تا ۱	AGFI
مناسب	۰/۸۲	> ۰/۵	TLI

شاخص کای اسکور (مجذور کای)، سطح عدم تناسب بین ماتریس کوواریانس نمونه و ماتریس کوواریانس برازش شده را نشان می دهد (هوآ و بنتلر، ۱۹۹۸، نقل از مقدسین و فلسفی نژاد، ۱۳۹۱) بنابراین می توان با توجه به غیر معناداری آن برای ارزیابی کلی مدل استفاده شود. برای این شاخص باید مقدار سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ در نظر گرفته شود. با توجه به اینکه این شاخص معایبی از جمله وابستگی زیاد به حجم نمونه (با افزایش نمونه برازش مناسب تری نشان می دهد)، وابستگی به نرمال بودن چند متغیره متغیرهای مشاهده شده (در صورت نرمال نبودن، موجب رد مدل های خوب می شود)، و تأثیر میزان همبستگی بین متغیرهای مدل بر این شاخص دارد، محققان شاخص نسبت کای اسکور بر درجه آزادی را برای ارزیابی برازش مدل معرفی نموده اند که به حجم نمونه حساس نباشد. نظرات مختلفی در مورد این نسبت وجود دارد که به طور کلی نسبت ۱ تا ۳ (کلاین، ۲۰۰۵؛ ۲۰۱۱، (هومن، ۱۳۸۷) را به عنوان بهترین نسبت برای این شاخص در نظر گرفته اند. با توجه به اینکه این نسبت در مدل طراحی شده پژوهشگر ۲/۱۷ به دست آمده می توان گفت مدل از برازش مناسبی برخوردار است.

جهت بررسی معناداری مدل می توان از مقدار P-Value استفاده نمود. اگر مقدار به دست آمده کوچکتر از ۰/۰۵ باشد، در سطح ۹۵ درصد می توان گفت مدل معنادار است. با توجه به اینکه مقدار P کمتر از ۰/۰۵ می باشد می توان گفت مدل معنادار است.

شاخص ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA^۴) یکی از اصلی ترین شاخص های برازش مدل در تحلیل مدل سازی معادلات ساختاری می باشد. مقدار قابل قبول برای این شاخص زیر ۰/۱ در نظر گرفته شده و مقادیر بالای ۰/۱ نشان دهنده برازش ضعیف مدل می باشد (هویل^۵؛ ۲۰۱۲؛ برون و کودک^۶، ۱۹۹۳). در مدل ارائه شده در پژوهش حاضر مقدار ۰/۰۶۷ به دست آمده که این مقدار نشان دهنده برازش مناسب مدل پژوهشگر می باشد.

شاخص ریشه میانگین مربعات باقی مانده (RMR^۷) یکی از شاخص های است که بد بودن مدل تجربی را نشان می دهد. مقدار

^۳- Hu^۴- Root Mean Square of Approximation^۵- Hoyle^۶- Browne & Cudeck^۷- Root Mean Square Residual

قابل قبول برای مدل های با برازش خوب، زیر ۰/۱ و برخی (بنتلر^۸؛ ۱۹۹۹؛ کلاین^۹؛ ۲۰۱۱) مقادیر زیر ۰/۰۸ را مورد پذیرش دانسته اند. با توجه به اینکه مقدار این شاخص در مدل ارائه شده ۰/۰۲۷ به دست آمده و خیلی کمتر از مقدار قابل قبول می باشد می توان با این شاخص گفت که مدل از برازش خوبی برخوردار است.

مقدار شاخص نیکویی برازش (GFI) بیانگر میزان دقت مدل در تکرار ماتریس کوواریانس مشاهده شده است. این معیار به شدت تحت تأثیر تعداد پارامترهای مدل می باشد و با افزایش آن، مقدار GFI افزایش می یابد (مک کالم و هونگ^{۱۰}؛ ۱۹۹۷). دامنه قابل قبول برای این شاخص بین صفر تا یک می باشد (بولن، ۱۹۸۶؛ مولیک و همکارانش، ۱۹۸۹ به نقل از مقدسین و فلسفی نژاد، ۱۳۹۱) و هرچه مقدار این شاخص نزدیک به یک باشد، بیشتر می توان مناسب بودن مدل را پیشنهاد کرد. با توجه به اینکه مقدار این شاخص در مدل ۰/۸۲ به دست آمده و نزدیک به مقدار یک است می توان مدل را از نظر این شاخص مناسب ارزیابی نمود.

همچنین شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)^{۱۱} که مرتبط به مقدار GFI می باشد، شاخصی است که GFI را بر اساس میزان درجه آزادی مدل تنظیم می نماید. درواقع هدف این معیار جریمه نمودن مدل به ازای افزایش تعداد پارامترهای جدید به مدل است (هوپل^{۱۲}؛ ۲۰۱۲، ۲۰۱۵). دامنه مورد پذیرش این شاخص مقادیر بالای ۰/۹ می باشد (هوپر^{۱۴} و همکاران، ۲۰۰۸). در مدل مورد پژوهش مقدار این شاخص ۰/۷۹ به دست آمده که نزدیک به مقدار قابل قبول می باشد.

همچنین با توجه به خروجی برنامه AMOS در این پژوهش، مقادیر شاخص های NFI^{۱۵} (شاخص هنجار شده برازندگی) و CFI^{۱۶}، بالا و نزدیک به یک، شاخص تاکر - لویز بزرگتر از ۵۰ درصد همگی نشان دهنده اعتبار مدل هستند. همان طور که جدول ۴ نشان می دهد، همه شاخص ها از مقادیر مطلوبی برخوردارند. در الگوی آموزش و پرورش استاندارد سه عامل اصلی تشکیل دهنده سازه یعنی عامل بنیادی، عامل ساختاری و عامل فرایندی به عنوان متغیرهای مکنون مرتبه دوم و سازه آموزش و پرورش استاندارد متغیر مکنون مرتبه اول است.

سهم هر یک از مؤلفه ها در عوامل فرعی و سهم هر یک از عوامل در سازه آموزش و پرورش استاندارد بر اساس ضرایب لامبدا (λ) و مجذور ضریب همبستگی (R²) در جدول ۳ مشخص گردیده است. اطلاعات جدول ۳ نشان می دهد که سازه آموزش و پرورش استاندارد با عوامل اصلی و عوامل فرعی دربرگیرنده آن از ضرایب لامبدا معناداری برخوردارند و برازش مدل سازه آموزش و پرورش استاندارد برازشی مناسب و معنادار است.

^۸- Bentler

^۹- Kline

^{۱۰}- Goodness of Fit Index

^{۱۱}- Mac Callum & Hong

^{۱۲}- Adjusted Goodness of Fit Index

^{۱۳}- Hoyle

^{۱۴}- Hooper

^{۱۵}- Normed Fit Index

^{۱۶}- Comparative Fit Index

جدول ۳: ضریب لامبدا و ضریب عوامل اصلی و مؤلفه های آموزش و پرورش استاندارد

عوامل اصلی	نماد در مدل	مؤلفه های تشکیل دهنده	λ	R^2	تأثیر کلی	تأثیر غیرمستقیم استاندارد شده
عوامل بنیادی						
	b1	فلسفه آموزشی متناسب	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۹۶	۰/۴۹
	b2	اهداف آموزشی شفاف	۰/۹۹	۰/۹۸	۰/۹۵	۰/۶۰
	b3	آینده نگر بودن	۰/۸۹	۰/۷۹	۰/۸۶	۰/۵۷
	b4	اصول آموزشی کارآمد	۰/۹۱	۰/۸۳	۰/۸۸	۰/۴۴
عوامل ساختاری						
	s1	توانمندی مدیران	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۹۵	۰/۵۰
	s2	نظام پویا	۰/۷۷	۰/۵۹	۰/۵۱	۰/۳۰
	s3	ارتباطات سازمانی اثربخش	۰/۵۹	۰/۳۵	۰/۵۵	۰/۳۱
	s4	نظام آموزشی یادگیری محور	۰/۹۴	۰/۸۸	۰/۸۹	۰/۴۲
	s5	ساختار استاندارد محور	۰/۹۲	۰/۸۵	۰/۸۷	۰/۵۵
	s6	نظام غیرمتمرکز	۰/۸۹	۰/۷۹	۰/۸۴	۰/۵۱
	s7	تصمیم گیری مؤثر	۰/۹۵	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۵۵
عوامل فرایندی						
	f1	برنامه درسی پویا	۱/۱۲	۱/۲۵	۰/۹۰	۰/۳۷
	f2	یادگیری پژوهش محور	۰/۷۴	۰/۵۵	۰/۵۹	۰/۳۱
	f3	یاددهی - یادگیری منعطف	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۸۰	۰/۲۹
	f4	معلم توانمند و پژوهشگر	۰/۷۶	۰/۴۷	۰/۷۰	۰/۴۷
	f5	معلم متعهد	۱/۰۲	۱/۰۴	۰/۸۲	۰/۳۸
	f6	محتوای کاربردی	۱/۱۰	۱/۲۱	۰/۸۸	۰/۶۷
	f7	محتوای آموزشی موردنیاز	۱/۶۲	۲/۶۲	۱/۲۹	۰/۸۸
	f8	معلم تعامل گر	۰/۸۷	۰/۷۶	۰/۷۰	۰/۳۳
	f9	بودجه - هزینه	۰/۸۳	۰/۶۹	۰/۶۶	۰/۳۰
	f10	مدرسه اثربخش	۱/۴۳	۲/۰۴	۱/۱۵	۰/۷۳
	f11	محیط یادگیری امن	۱/۱۴	۱/۲۹	۰/۹۲	۰/۴۵
	f12	مدرسه هوشمند	۰/۷۵	۰/۵۶	۰/۶۰	۰/۳۳
	f13	مدیریت متعهد و تعامل گر	۰/۷۱	۰/۵۰	۰/۵۷	۰/۲۶
	f14	امتحانات هماهنگ	۰/۶۷	۰/۴۹	۰/۵۳	۰/۳۹
	f15	ارزشیابی توصیفی	۰/۷۸	۰/۶۱	۰/۶۳	۰/۳۰
	f16	دانش آموز فعال	۰/۹۴	۰/۸۸	۰/۷۵	۰/۴۶

مطابق با جدول ۳ در بین عوامل اصلی مدل آموزش و پرورش استاندارد عوامل بنیادی با ضریب مسیر $0/96$ ($R^2 = 0/92$) دارای بیشترین رابطه و به ترتیب عوامل ساختاری با ضریب مسیر $0/95$ ($R^2 = 0/90$) و عوامل فرایندی با ضریب مسیر $0/80$ ($R^2 = 0/64$) قرار دارند.

در بین عوامل بنیادی، ضریب لامبدا مربوط به فلسفه آموزشی با مقدار $0/99$ با ضریب تبیین $0/98$ و ضریب تأثیر کلی $0/90$ و ضریب تأثیر غیرمستقیم استاندارد شده $0/60$ دارای بیشترین مقدار مشاهده می شود. کمترین ضریب لامبدا مربوط به اصول آموزشی کارآمد با مقدار $0/91$ و ضریب تبیین $0/83$ و ضریب تأثیر کلی در مدل $0/88$ و ضریب تأثیر غیرمستقیم $0/44$ در مدل پژوهش می باشد. از بین عوامل ساختاری، تصمیم گیری مؤثر با ضریب لامبدا $0/95$ و با ضریب تبیین $0/90$ ، ضریب تأثیر کلی $0/90$ و ضریب تأثیر غیرمستقیم استاندارد شده $0/55$ دارای بیشترین تأثیر و عامل ارتباطات سازمانی اثربخش با ضریب لامبدا $0/59$ و با ضریب تبیین $0/35$ ، ضریب تأثیر کلی $0/55$ و ضریب تأثیر غیرمستقیم استاندارد شده $0/31$ دارای کمترین تأثیر در مدل می باشد. در بین عوامل فرایندی محتوای آموزشی مورد نیاز با بیشترین ضریب لامبدا با مقدار $1/62$ و ضریب تبیین $2/62$ ، ضریب تأثیر کلی $1/29$ و ضریب تأثیر غیرمستقیم استاندارد شده $0/88$ و عامل امتحانات هماهنگ با مقدار ضریب لامبدا $0/67$ و ضریب تبیین $0/49$ و ضریب تأثیر کلی $0/53$ و ضریب تأثیر غیرمستقیم استاندارد شده $0/39$ دارای کمترین تأثیر در مدل آموزش و پرورش استاندارد می باشد. ضرایب بقیه مؤلفه ها سهم نسبتاً مناسبی در تبیین واریانس عوامل را از خود نشان می دهند. بنابراین، با استفاده از نتایج به دست آمده از برازش مدل آموزش و پرورش استاندارد استنتاج می شود که مدل از اعتبار مناسبی برخوردار است و عوامل مذکور می توانند سهم مناسبی در تبیین واریانس آموزش و پرورش استاندارد داشته باشند.

بحث و نتیجه گیری

امروزه هیچ سازمان یا مؤسسه ای را نمی توان یافت که از جهت های گوناگون با استاندارد سروکار نداشته باشد. در این میان استاندارد سازی نظام آموزش و پرورش یکی از مهم ترین و مؤثرترین نهادهای اجتماعی به منظور رشد افراد و پیشرفت اجتماع محسوب می شود. تحقیقات انجام گرفته در خصوص شکوفایی اقتصادی و تحول نظام آموزشی کشورهای توسعه یافته، نشان دهنده توجه جدی مدیران و برنامه ریزان این کشورها به استاندارد و استاندارد سازی در آموزش و همچنین ترویج آن در بین جامعه است.

هدف از اجرای این پژوهش ارائه مدلی مفهومی برای آموزش و پرورش استاندارد بوده است. از این رو، ابتدا موضوع آموزش و پرورش استاندارد به کمک مطالعات اسنادی و نظریه داده بنیاد مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج بخش کیفی نشان داد که ۳ بعد شامل عوامل بنیادی، عوامل ساختاری و عوامل فرایندی و در مجموع ۲۷ مؤلفه برای آموزش و پرورش قابل طرح می باشد. این ابعاد بر اساس شاخص های کمی آزمون شد و نتایج تحلیل عاملی نشان داد که عوامل اصلی و مؤلفه های تشکیل دهنده آموزش و پرورش استاندارد در الگوی طراحی شده عوامل مناسبی هستند. همچنین می توان نتیجه گرفت که تمامی عوامل مرتبط با آموزش و پرورش در این سه بعد خلاصه می شود و خارج از سه بعد نیست.

۱- عوامل بنیادی آموزش و پرورش: عوامل بنیادی آموزش و پرورش استاندارد مربوط به عواملی می شود که نقش تعیین کننده و بنیادی در نظام آموزش و پرورش دارد و بدون این عوامل نقش آموزش و پرورش وجود ندارد یا اگر آموزشی هم باشد بدون میانی نظری درست، بدون فلسفه، اهداف و اصول است. در این عامل، مؤلفه اصول آموزشی کارآمد با توجه به نظرات کارشناسان و خبرگان دارای کمترین ضریب تأثیر در مدل و مؤلفه فلسفه آموزشی دارای بالاترین ضریب تأثیر مسیر در مدل آموزش و پرورش استاندارد می باشد. به طور کلی نتایج به دست آمده از این پژوهش در مورد مؤثر بودن مؤلفه های عوامل بنیادی در آموزش و پرورش با پژوهش های (فیوضات، ۲۰۰۵؛ محسنی، ۲۰۱۳؛ شکوهی، ۲۰۰۶؛ گودرزی و سعادتمند، ۲۰۰۵؛ ملکی، ۲۰۱۰؛ میاندری و همکاران، ۲۰۱۳) همخوانی دارد.

۲- عوامل ساختاری آموزش و پرورش: عوامل ساختاری آموزش و پرورش مربوط به ساختار نظام آموزشی، نوع نظام آموزشی، نیروی انسانی در سطح ستادی، امور استخدام نیروی انسانی و اموری که برای تمام کشور تصمیم گیری واحدی انجام می دهد و خط و مشی های اصلی را مشخص می کنند. از بین عوامل ساختاری، مؤلفه ارتباطات سازمانی با توجه به نظرات کارشناسان و خبرگان دارای کمترین ضریب تأثیر مسیر در مدل و مؤلفه تصمیم گیری مؤثر دارای بالاترین مقدار ضریب تأثیر مسیر در مدل آموزش و پرورش استاندارد می باشد. به طور کلی نتایج به دست آمده از این پژوهش در مورد مؤثر بودن مؤلفه های عوامل ساختاری در آموزش و پرورش با پژوهش های (خنیفر، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۴؛ شعبانی، ۲۰۰۳؛ میاندری و همکاران، ۲۰۱۳؛ سند تحول بنیادین، ۲۰۱۱) همخوانی دارد.

۳- عوامل فرایندی آموزش و پرورش: منظور از عوامل فرایندی، مؤلفه های است که بیشتر با دانش آموز و فعالیت های جریان یاددهی- یادگیری ارتباط دارد و می تواند در کیفیت بخشی آموزش نقش داشته باشد. این عوامل بیشتر در سطح صف و درگیر اجرای فعالیت های آموزشی هستند. مدرسه و تمامی مؤلفه های که در مدرسه وجود دارد در عوامل فرایندی قرار می گیرند. در این عامل، مؤلفه امتحانات هماهنگ با توجه به نظرات کارشناسان و خبرگان دارای کمترین مقدار ضریب تأثیر در مدل و مؤلفه های محتوای آموزشی مورد نیاز، مدرسه اثربخش و محیط یادگیری امن بالاترین مقدار ضریب تأثیر مسیر را در مدل آموزش و پرورش استاندارد دارند.

به طور کلی نتایج به دست آمده از این پژوهش در مورد مؤثر بودن مؤلفه های عوامل فرایندی در آموزش و پرورش با پژوهش های (ملکی، ۲۰۱۰؛ فراهانی، ۲۰۰۴ و بهرنگی، ۲۰۰۴؛ گودرزی و سعادت مند، ۲۰۰۴؛) همخوانی دارد.

در جمع بندی مباحث ارائه شده هرچند در خصوص شناسایی مؤلفه های آموزش و پرورش استاندارد و ارائه مدل آموزش و پرورش استاندارد، پژوهشی مشاهده نگردید. اما در خصوص استاندارد سازی در آموزش و پرورش و آموزش و پرورش استاندارد پژوهش های انجام گردیده که یافته های پژوهش حاضر را تأیید می کند. از جمله نقش مدیر کارآمد ابتدایی، مدیریت در مدرسه ابتدایی استاندارد (خنیفر، ۲۰۰۴)، استاندارد کردن در سازمان، سازمان دهی و ساختار سازمانی، استاندارد سازی در آموزش و پرورش (پرداختچی، ۲۰۰۴)، استاندارد سازی وضعیت آموزشی (یمینی دوزی سرخابی، ۲۰۰۴)، استاندارد سازی کیفیت نظام آموزشی مراکز آموزش فنی و حرفه ای (آذر و بیات، ۲۰۰۴)، استاندارد و ضرورت آن در آموزش و پرورش (نیلی احمدآبادی، ۲۰۰۴)، که با پژوهش حاضر همخوانی دارند.

بنابراین با توجه به آنچه بیان شد می توان چنین نتیجه گرفت که به دلیل اینکه نظام آموزش و پرورش رسالت سنگینی را بر عهده دارد، رصد تیزبینانه مؤلفه های این نظام و جایگاه آن از اهمیت بالای برخوردار بوده و این فرایند بدون شناسایی ابعاد و مؤلفه ها و زیر مؤلفه های (شاخصه ها) آن امکان پذیر نخواهد بود.

References

- Abaari. A. (2014). Promoting standard culture in schools, *News-Analytical Weekly of the National Standard Organization of Iran, Volume 23, Number 4-2*. [in Persian].
- Ahanchian, M. R. (2004). Irregular education and standardization of knowledge in human resource education, *Proceedings of the first scientific conference on standardization and standardization in education (with emphasis on human resource standards)*, Tehran: *Madrassa*, 558-545. [in Persian].
- Behrangi, M. R. (2004). War of Standards, *Proceedings of the First Scientific Conference on Standards and Standardization in Education (with Emphasis on Human Resource Standards)*, Tehran: *Madrassa*, 266-251. [in Persian].
- Castillo. Desart &. and Magdalono. (2002). *Standardization of Standard-Based Instruction*.
- Hoyle RH. *Handbook of Structural Equation Modeling*. 1 st ed. New York: The Guilford press; 2012.
- Kaufman, Roger and Jerry Herman. (1995). *Strategic planning in the educational system*, Technomic Pub Co Publisher.
- Khanifar, H. (2004). 21st Century Space and Educational Standards, *Proceedings of the First Scientific Conference on Standardization and Standardization in Education*, *Proceedings of the*

- First Scientific Conference on Standardization and Standardization in Education (with Emphasis on Human Resource Standards), Tehran: *Madrassa Publications*, 231-202. [in Persian].
- Madhoshi, M. (2004). Standards and patterns of quality of education and leadership of educational reforms, Proceedings of the first scientific conference on standards and standardization in education (with emphasis on human resources standards), Tehran: *Madrassa*, 482-466. [in Persian].
- Maleki, H. (2010). *Planning Introduction*, Tehran: Samat, Fourth Edition [in Persian].
- Mashayekh, F. (2000). *New Perspectives on Educational Planning*, Tehran: Samat Publications. [in Persian].
- Mashayekh, F. (2006). *Basics of planning: school curriculum planning*, Tehran: Madrasa Publications. [in Persian].
- Mehr Alizadeh, Yadaleh; Hosseinzadeh, Ali Hossein; Qalavand, Rahman and Molaei, Shahram. (1392). Presenting a Paradigm Model of Reconstruction and Improvement of the Standard Skills System Based on the Foundation Data Method, *Skilled Student Journal*, Volume 1, Number 3, pp. 33-7. [in Persian].
- Miandari, p; Sarlak, M. A.; Ahmadi, S. A. A. and Jalalian, N. (2013). Designing a Model of Futuristic Organization (Higher Education System), *Journal of Yazd Center for the Study and Development of Medical Education*, Volume 8, Number 3 (Series 11), 80-63. [in Persian].
- Ministry of Education (2012), [Training Requirements for Primary and Secondary School Principals], www.gov.cn/fwxx/bw/jyb/content_2267061.htm (accessed 9 November 2016).
- Mohseni, M. A. (1392). A Study and Critique of Positive Approaches to the Philosophy of Islamic Education in the Islamic Republic of Iran, *Imam Khomeini Educational and Research Institute*, Fifth Year, Second Issue, 10: 56-29. [in Persian].
- Navid Adham, M; Sadeghzadeh G, A. (2015). Designing a model of cultural policies in the education system, *Quarterly Journal of Socio-Cultural Strategy*, Fourth Year, No. 154-135. [in Persian].
- Pardakhtchi, M. H. (2004). Standard Analysis as an Inevitable Necessity in All Organizational Affairs, Proceedings of the First Scientific Conference on Standardization and Standardization in Education (with Emphasis on Human Resource Standards), Tehran: *Madrassa*, 80-58. [in Persian].
- Rouhani Dehkordi, S; Bagheri, S, A. (2012). School and its role in educating values, *Journal of Knowledge*, Volume 21, Number 179, pp. 103-95. [in Persian].
- Saadatmand, Venus; Goodarzi, Akram. (1383). Standardization of education system based on ISO 2000-9000 requirements, Proceedings of the first scientific conference on standardization and standardization in education (with emphasis on human resource standards), Tehran: *Madrassa*, 346-333. [in Persian].
- Shabani, H. (2003). *Planning Introduction (with a school quality approach)*, Tehran: Abed Publications. [in Persian].
- The Fundamental Reform Document of Education (FRDE) in the Islamic Republic of Iran* (2011), ministry of Iran education.
- World Bank (1995). Priorities and Standards for Education. Washington, D. C. Colorado Academic Standards Overview, <http://www.cde.state.co.us/standardsandinstruction/factsheetsandfaqs#standardsfaqs>
- Yamani Dozi Sorkhabi, M. (2004). Standardization of educational status, Proceedings of the first scientific conference on standardization and standardization in education (with emphasis on human resources standards), Tehran: *Madrassa*, 110-96. [in Persian].
- Yousefzadeh Chosari, Mohammad Reza, (2004), The Role of Standards in Educational Reforms, Proceedings of the First Scientific Conference on Standards and Standardization in Education (with Emphasis on Human Resource Standards), Tehran: *Madrassa*, 544-534. [in Persian].

Provide and explain the standard education model

Mohammad Khoobchehreh,^{۱۲}Ahmad Akbari^{۱*}, Hadi Pourshafei^{۱۳}and Muslim Charabin^{۱۴}

Abstract

Today, the standard category for different industries and businesses is clearly defined with different qualities and can be applied globally, but in education, because the issues are related to humans and the issue becomes more complex, the standard power of uniformity was codified for all countries, because each country has different cultural, political, and social conditions according to its climate and position on the planet. Even in a country like Iran, due to the size of the country, a specific standard for education may not be possible, but education without a standard will not have a place. The present study aims to provide a model for standard education and explain it. This research has examined the opinions of experts in the field of education in order to identify the components of education and present a standard education model. The research method was descriptive-survey. Data were collected in the field. The statistical population was experts in the field of education. For this purpose, 260 experts and experts in the field of education in South Khorasan province were selected by cluster-quota sampling method. The data collection tool was a researcher-made questionnaire. Cronbach's alpha, content validity and concurrency were used to determine the reliability and validity of the measurement tool. Descriptive data, fitting and confirmatory factor analysis were used to analyze the qualitative data and the quantitative data method was used. The general results of the research indicate that the proposed model can be verified using AMOS software.

Keywords: education, standardization, standard education, components of education, standard model of education.

^{۱۲} PhD student in Educational Management, Department of Educational Sciences, Neyshabour Branch, Islamic Azad University. Neyshabour, Iran Mohamadkhoob@gmail.com

^{۱۳} Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Neyshabour Branch, Islamic Azad University, Neyshabour, Iran (Corresponding Author) Akbari.180@gmail.com

^{۱۴} Associate Professor of Educational Management, Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Birjand University, Birjand, Iran hpourshafei@birjand.ac.ir

^{*} Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Neyshabour Branch, Islamic Azad University, Neyshabour, Iran moslemch2015@gmail.com